



شعر متعهد

دکتر علوی مقدم



اغراق، سخن می‌گویند و در باره چیزی غلو می‌کنند، در صورتی که پیامبران واقع‌بین هستند و حقیقت‌گرا. روی همین اصل قرآن گفت:

شعرا کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند و چون برخی از شاعران، غرق پندارهای شاعرانه خویشند و «فی کل واد یهیمون» می‌باشند در هرودی سرگردان و گاه سخنانی می‌گویند و خود بدان عمل نمی‌کنند «وانهم یقولون ما لایفعلون»، لذا قرآن، شاعران هدفدار و صالح و شایسته را استثناء کرده و چهار ویژگی برای آنان ذکر کرده است:

داشتن ایمان، عمل صالح انجام دادن، به یاد خدا بودن، در برابر ستم به پاخاستن و

است که ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد.

در آغاز باید دید که سبب مخالفت قرآن، با شعر و شاعری، در این آیه چیست؟

بسیاری از شاعران با سلاح شعر به رسول اکرم (ص) و دین اسلام حمله می‌کردند و گاه می‌گفتند: او شاعر است (بسل هو شاعر) (۲)

و حتی گاه، شاعر مجنونش می‌خواندند «یقولون انا لتارکو آلهتنا لشاعر مجنون» (۳)

روی این اصول، قرآن مجید خواسته است که خط مشی پیامبر اکرم را از خط شعرا جدا کند؛ زیرا شاعران گاه در عالم خیالند و پندار و گاه مبالغه آمیز و از روی

شاعر متعهد کیست و شعر متعهد چیست؟

درفرهنگ اسلامی نخستین جایی که از شاعر و شعر متعهد سخن به میان آمده، قرآن مجید است، در آیه: «والشعراء

یتبعهم الغاؤون. ألم تر انهم فی کل واد یهیمون. وانهم یقولون ما لا یفعلون. الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و ذکر و الله کثیرا و انتصروا من بعد ما ظلموا...» (۱)

این آیات در واقع، شاعران را پیشوایان گمراهان دانسته و کسانی که ایمان داشته باشند و عمل صالح انجام دهند، استثناء شده‌اند.

روی همین اصل، می‌گوییم: شعر متعهد از نظر اسلام، شعری است که در خدمت اخلاق و جامعه باشد و شاعر متعهد کسی



گرفتن. (۴)

اینست که می‌گوییم: شعر و شاعری، آن گاه سودمند است که سازنده باشد نه اینکه انسانها را به پوچی و خیال‌پروری، سوق دهد.

در واقع ارزیابی اسلام، در زمینه شعر و شاعری، به هدف و نتیجه ارتباط دارد یعنی اشعار سازنده و هدفدار که ملتی را نجات دهد و انسانها را برانگیزاند و لرزه بر اندام دشمنان اندازد و بنیان ستم را متزلزل کند و از ریشه برکند خوب است و به همین جهت است که در حدیث آمده: «ان من الشعر لحکمه و ان من البیان لسحرا» و روی همین جهات پیامبر اکرم فرمود: «ان المؤمن یجاهد بنفسه و سیفه و لسانه» که مصداق اجلی مجاهد به زبان، شاعرانند.

البته شاعران هدفدار، نه شاعرانی که هنر خود را در خدمت ستمکاران قرار دهند و برای دریافت صله ناچیزی تملق گویند.

اصولا بحث میان دو مکتب «هنر برای هنر» و «هنر برای اجتماع» از دیر باز مطرح بوده و تازگی ندارد و همواره یک دسته هواخواه هنر برای هنر و دسته دیگر طرفدار هنر در خدمت اخلاق و اجتماع بوده‌اند.

بسیاری از دانشمندان گفته‌اند که هنر باید تابع و پیرو اخلاق باشد و اگر حدود اخلاق را رعایت نکند، ناپسند است.

در دنیای غرب هم، کسانی همچون دیدرو Diderot نویسنده و فیلسوف فرانسوی (م. ۱۷۸۴) معتقد است که:

«هر آزاده مردی که قلم به دست می‌گیرد باید همت بر آن گمارد که عفاف را محبوب و فسق را منفور سازد» (۵)

دکتر ساموئل جانسن، ادیب و منتقد بلند پایه انگلیس در قرن هجدهم می‌نویسد: «وظیفه نویسنده و شاعر، همواره این می‌باشد که دنیا را از آنچه هست، بهتر کند».

تولستوی، نویسنده بشر دوست مذهبی قرن نوزدهم روسیه (م. ۱۹۱۰) رسالت و وظیفه هنر را ترویج تعلیمات دینی و اخلاقی می‌داند. همو می‌افزاید که به وسیله هنر باید خصال عالی و اخلاقی در افراد جامعه ایجاد کرد.

اصولا چون انسان، با معیارهای اخلاقی از حیوان متمایز می‌گردد و:

اقوام روزگار به اخلاق زنده‌اند

قومی که گشت فاقد اخلاق مردنی است. (۶)
بنابراین، اخلاقیات، اهمیت دارد و آثار ادبی که از اخلاق بحث کرده باشد، ارزشمند است و شاعر متعهد سودمند؛ زیرا سجایای اخلاقی و ملکات فاضله در تأمین سعادت بشر حائز اهمیت و چنانچه اخلاقیات، در جامعه‌ای وجود نداشته‌باشد، زندگی در آن جامعه همچون جهنمی خواهد بود.

آن کس خوشبخت و سعادتمند است که جان و روان خود را از پلیدیها پاک کند و روح خویش را از ناپاکیها برهاند و آن کس که خود را به آلودگیها آلوده کند و با ناپاکیها بگراید، بدبخت است. «قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها» (۷)

خدای بزرگ در سوره «الشمس» پس از هفت و یا پس از یازده سوگند - که از جنبه بلاغی بسیار اهمیت دارد - به ترکیه روان و رستگاری انسان اشاره کرده و گفته است:

هر کس خود را از آلودگیها پاکیزه ساخت و روان خود را، صفا داد، رستگار شد و هر کس آن را آلوده ساخت، ناامید گشت.

اگر در کارنامه شاعران بنگریم، در می‌یابیم: شاعرانی که از منبع پر فیض قرآن و احادیث رسول اکرم (ص) و امامان معصوم علیهم السلام و دیگر مبانی اخلاقی و اصول اسلامی، الهام گرفته‌اند، شعرشان جاودانه بوده است و توانسته‌اند شعری پرمایه و با ارزش، به اجتماع بشری عرضه کنند.

علل جاودانگی و خلود این گونه شاعران، تعهد آنان است نسبت به دین خود؛ یعنی اسلام. این گونه شاعران ریزه خوارخوان پرفیض فرهنگ اسلامی بوده‌اند، فرهنگی غنی و انسان ساز که تأثیر عمیقی بر روح و روان این شاعران گذاشته و خاطره



آنان در یادها مانده و پس از گذشت
قرنها، اشعار آنان را بر زبان می‌رانیم و
اندرزهای آنان و سخنان گهر بارشان
را آویزه گوش می‌سازیم.

این گونه شاعران، هنر را وسیله کسب
حطام دنیوی قرار نداده، بلکه هنر خود را
وقف خیر و سعادت انسانها کرده و در راه
اسلام و پیشرفت انسانیت و بیدار کردن
وجدانهای خفته به کار گرفته‌اند و
خواسته‌اند که انسانها را به هدف عالی
انسانی برسانند و به انسانها بگویند:

جهان را نه بریده کرده‌اند.

تو رانز پی بازی آورده‌اند

شاعران متعهد خود را در قبال جامعه
مسئول می‌دانند و اوضاع و احوال جامعه
را در اشعار خود منعکس می‌سازند
و اوضاع زمانه را در شعر خود به پرده
تصویر می‌کشند.

اینان هدف والایی را دنبال می‌کنند و
می‌خواهند که انسانها را به خیر و سعادت
رهنمون باشند، اینان در پی آن نیستند
که از زر آلات خوان بسازند، اینان
می‌دانند که هنر وقتی برای تکسب باشد،
زود از میان می‌رود و اثری ندارد و زائل
می‌گردد.

هنری که برای دریافت صله باشد و
جهت تأمین معاش، دیرپا نیست، هنری
است اشرافی و توده مردم را با آن کاری
نیست.



می‌کردند و ناشایستی را شایسته جلوه
می‌دادند.

شاعران متعهد، پس از گذشت قرن‌ها،
نامشان در یادها مانده؛ زیرا آنان بیش از
هر کس و هر چیز، به انسان و انسانیت
و انسان‌دوستی، علاقه نشان داده و در
آثارشان از انسان، سخن گفته شده،
شعرشان به جامعه تعلق داشته، دردها و
مصائبی که بر انسانها وارد می‌شده، باز
می‌گفته‌اند و با همگنان، همدرد بوده و
در غم و شادی انسانها شریک.

آنان که برای امیال نفسانی خود و برای
رسیدن به زندگی مرفه و به دست آوردن
ثروت کلان، شعر سروده‌اند و با آفرینش
هنری و تقدیم آن، به اشراف و درباریان،
به جاه و مقام رسیده‌اند، شعرشان دیرپا
نبوده‌است.

اینست که می‌گوییم؛ اساس ادبیات
تکسبی، مدح سلاطین و امراء و وزراء و
ثروتمندان است، اینان در برابر هر
قطعه مدحی و گاه بیتی، صله‌ای دریافت



شاعران متعهد می‌کوشند که نوع دوستی و همدلی و محبت را در دیگران برانگیزانند و نسبت به تمام موجودات عالم هستی، مهربان باشند.

شاعران متعهد در سرودن شعر و ایجاد یک اثر هنری، هدفی جز پیشرفت بشریت ندارند و می‌خواهند به انسانها اندرز دهند، انسانها را راهنمایی کنند، حکام و امراء را به صلاح و سداد، هدایت کنند، اینان می‌خواهند جامعه‌ای را پی‌ریزی کنند که بنیان آن بر عدل و داد، استوار باشد. اینان چشمداشت مادی از هنر خود ندارند، در فکر گرفتن خلعت و دریافت جایزه وصله از طرف امیر و حاکم نیستند، می‌خواهند سیمای یک انسان آرمانی را ترسیم کنند و انسانها را به شایسته‌ها فراخوانند و از ناشایسته‌ها دور سازند.

شاعر متعهد به وظائف سنگین خود آگاه است و بدان عمل می‌کند و به مدح جبابره و طواغیت زمان نمی‌پردازد، باظالمان و ستمگران بیعت نمی‌کند و از گفتن حقیقت ابائی ندارد و به صراحت آنچه را می‌خواهد، در شعرش می‌گوید. او در شعرش به عالمان غیر عامل که به علم خود عمل نمی‌کنند، می‌تازد، او می‌داند که:

«کسیر مقتا عند الله ان تقولوا ما لاتفعلون» (۸)

شاعر متعهد، شعرسرایی را برای تفتن و سرگرمی، نمی‌خواهد، او متعهد است و ندای وجدان عصر خود، شاعر متعهد، گفتار را با کردار همراه کرده و با تدلیس و تزویر و نیرنگ به نبرد می‌پردازد، در شعر شاعر متعهد، اندیشه موج می‌زند و از تصورات و خیالات واهی بیزار است، او آدمی را به تعقل و تدبیر فرامی‌خواند و در جهان و کار جهان تعمق می‌کند و فضیلت انسان را بر دیگر موجودات، در پرتو خرد او می‌داند.

شاعر متعهد، در لجن‌زار دربارها فرو نمی‌رود و در منجلاب مدح‌گیری و صلّه‌گیری و خلعت‌یابی، غرق نمی‌شود و زبان را به مدح ظالمان نمی‌آلاید، او می‌داند که:

می‌پلرزد عرش از مدح شقی

بد گمان گردد ز مدحش متقی (۹)

همان گونه که پیامبر اکرم (ص) گفته است:

«اذا مدح الفاسق غضب الرب واهتز لذلك العرش» (۱۰)

شاعر متعهد درد انسانها را احساس کرده و خود را شریک آلام و مصائب آنان می‌داند و برای آگاهی انسانها تلاش می‌کند و می‌کوشد تا انسانها را از ورطه جهل و نادانی‌های بخت‌داده، تا وظیفه‌ای که بر عهده دارد، اداء نماید. او با سرودن شعرش، فهم و شعور مردم را نسبت به مسائل بالا می‌برد و انسانها را به کسب

علم و معرفت، تشویق می‌نماید و می‌داند که آدمی، چون آگاه شود، دیگر نمی‌توان به سادگی او را تحت سیطره در آورد و از او بهره‌کشی کرد، او می‌داند که یکی از مصیبت‌های بزرگ بشر، در طول تاریخ، جهل و نادانی او بوده که زورگویان و چپاولگران با استفاده از آن، هستی انسانها را تباه کرده‌اند، او کسب علم و معرفت را در هر شرائطی برای مسلمانان ضروری می‌داند و هیچ چیز را مانع از علم آموزی مسلمانان نمی‌داند و به آنان توصیه می‌کند که برای کسب علم، تلاش کنند.

شاعر متعهد آزاداندیش است و آزادانه به بیان افکار خود می‌پردازد و از هیچ کس هم، هراسی به دل راه نمی‌دهد و ظلم و جور عمال حکومت را تخطئه می‌کند و با ظلم و تباهی مبارزه می‌کند و ساکت نمی‌نشیند تنها نظاره‌گر اوضاع نیست؛ بلکه زبان به طعن و سرزنش می‌گشاید و حکومت ستمگر را به باد انتقاد می‌گیرد و حقیقت را می‌گوید و گرسنه زیستن را بر طعام یافتن از دست فرومایگان، ترجیح می‌دهد.

شاعر متعهد، اغراق و مبالغه بیش از اندازه، در سخنش نیست تا ممدوح را به اعلی‌علین ببرد و نه کرسی فلک را زیرپای بگذارد تا به رکاب ممدوح خود بوسه زند و با تملق و چاپلوسی او را از خود خوشنود سازد؛ بلکه او، حاکم

